

برجام بنفع ایران است (ترامپ)

برجام بنفع آمریکا است (خامنه ای)

کدام درست است؟

امیرفیض- حقوقدان

اصطلاح نفع در قراردادها

اصطلاح نفع یا ضرر در رابطه با قرارداد، متوجه فزایندهای قرارداد است که در مقام اجرا متضمن منافع کدام طرف قرارداد میباشد؛ یعنی نفع، مترصد جایگاه حقوقی طرفین، در دادگاه و احتمال اختلاف است.

منافع مادی از قراردادها معمولاً در حیطه عمل و بررسی کارشناسان اقتصادی و مالی کشورهاست؛ ولی اصلی که در تشخیص منافع قراردادها قابل رعایت است، بازده سرمایه مصرفی بعلاوه سود متعلقه به آن سرمایه است، که اگر اجرای قرارداد بتواند تفاوتی از باب کسری هزینه بردرآمد ایجاد کند گفته میشود که آن قرارداد سود آور است.

نفع در برجام

اظهار نظر نفع مالی نسبت به قرارداد برجام با دوشکل روبرو میشود نخست اینکه هنوز یکسال از اجرای برجام میگذرد و این مدت کافی نیست که مسئله سود مالی برجام مطرح شود.

دوم اینکه - بنا بر اعلام واشنگتن پست، جمهوری اسلامی تاکنون برای فعالیت هسته ای ۱۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده است و با توجه به بهره متعلقه به آن ظرف ۱۲ سال رقمی میشود که از زمان استهلاک میتوان نسبت به سود آوری آن قرارداد اظهار نظر کرد.

(توضیح اینکه مقامات جمهوری اسلامی خاصه آژانس اتمی ایران هرگز کلامی درباره میزان سرمایه گذاری در صنعت هسته ای ندارند).

مهر در آمد در برجام

آنچه که به بحث تعلق سود و نفع ایران در برجام کمک میکند این است که در برجام هیچ آرتیکلی که بتواند منبع در آمدی برای ایران محسوب شود وجود ندارد، مجموعه ای از تعهدات است که عموماً خرج بردار و تلف کننده سرمایه گذاری های قبل از برجام است، و نیز ارفاق های شورای امنیت در برطرف کردن تحریم ها که آنرا نمیتوان به حساب درآمد منظور داشت. زیرا قبل از برجام آن منابع اگر در آمدی داشته است برای ایران وجود داشته است.

دقت دیگر نشان میدهد که ارفاقات و حقوقی که در برجام برای ایران منظور شده ابداء امتیازی محسوب نمیشود بلکه همان حقوقی است که همه کشورهای عضو آژانس بین المللی اتمی دارا هستند؛ منتها

بموجب قطعنامه های شورای امنیت از ایران سلب و اکنون با امضای برجام آن حقوق بشرط رعایت برجام در اختیار ایران گذاشته شده است. بنابراین آنها راه نمیتوان امتیاز و یا نفعی به حساب برجام گذاشت.

خطر جنگ

برخی مدعی اند که برجام خطر جنگ را از ایران دور ساخت. این نظریه میتواند اینطور گفته شود که ارجاع موضوع هسته ای ایران به شورای امنیت از سوی آژانس بین المللی اتمی خطر جنگ را منتفی ساخت، نه امضای برجام.

❖ زیرا کشورهای ۵+۱ خاصه کشور آمریکا با حق وتوی خود در واقع وفی نفسه شورای امنیت هستند و تصمیم تحریم های اقتصادی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی تصمیم آنهاست. دیگر نمیشود در عین اینکه موضوع را به صلاحیت شورای امنیت محول میکنند آمریکا هم علیرغم اینکه خودش از اعضای شورای امنیت است، جنگ علیه ایران را آغاز کند. و اگر غیر این میکرد یعنی علیه ایران به جنگ مبادرت مینمود مورد اعتراض همه جهاتیان حتی همان کشورهای ۵+۱ قرار میگرفت. به کلامی دیگر شورای امنیت طریق تحریم را انتخاب کرده و به کشورهای ۵+۱ که آمریکا هم یکی از آنهاست ماموریت مذاکره و اجرای قطعنامه هارا محول کرده نه جنگ و چنین جنگی میشد، جنگ خودسرانه.

تشدید تحریم ها نه جنگ

❖ ارجاع موضوع به شورای امنیت حتما خطر جنگ را مرتفع ساخت؛ زیرا برفرض اینکه جمهوری اسلامی به قطعنامه های شورای امنیت ترتیب اثر نمیداد و حاضر به مذاکره با کشورهای ۵+۱ بنمایندگی شورای امنیت نمیشد، باز هم نمیتوانست جریان جنگ را متوجه ایران سازد زیرا واکنش شورای امنیت نسبت به سرکشی جمهوری اسلامی تشدید تحریم ها با قطعنامه های دیگری بود نه جنگ.

❖ نگاهی به قطعنامه های اولیه شورای امنیت سازمان ملل نشان میدهد که قطعنامه ها کم، کم شدت عمل یافته است؛ یادمان نرفته که در قطعنامه سوم بود که احمدی نژاد گفت <قطعنامه را بگذارید در کوزه و هر چه میخواهید قطعنامه بدهید> و دیگری گفت <خدا کند که این قطعنامه ها و تحریم ها ادامه پیدا کند که باعث خود کفائی مامیشود>.

باز از یاد نرفته است که جمهوری اسلامی در مقابل قطعنامه های شورای امنیت سیاست مقاومت را اتخاذ کرد و صریحا گفت <ما فعالیت های هسته ای را متوقف نمیکنیم>.

اما هنگامیکه قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت صادر شد جمهوری اسلامی ماستها را کیسه کرد و مقاومت و سرکشی در مقابل قطعنامه های سابق به تمکین و تسلیم تبدیل شد، چرا که قطعنامه ۱۹۲۹ خلاف انتظار جمهوری اسلامی و بشدت حادثتر از قطعنامه های سابق بود. قطعنامه مزبور کشورها را از معامله با ایران در مورد غنی سازی اورانیوم و دیگر مواد هسته ای منع کرده بود، و تمام کشورها مکلف شدند که از انتقال هرگونه تانک، خودرو زرهی، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، توپخانه کالیبر بالا، کشتی های نظامی، موشک و سیستم ها و قطعات مرتبط با آنها به ایران خودداری کنند و علاوه بر آن لیست مفصلی از کسانی که کشورها باید از اجازه ورود به آنها خودداری کنند از ضمیمه آن قطعنامه بوده است.

در این قطعنامه قید شده است که اگر ایران تمام فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازآوری خود را متوقف کند قطعنامه بحالت تعلیق درخواهد آمد.

توجه

اینکه جمهوری اسلامی بسرعت فعالیت هسته ای خود را متوقف و اقدام به به بتن ریزی نمود نتیجه فشار همان قطعنامه ۱۹۲۹ بود (پایان).

❖ با وجود سابقه ای که قطعنامه مزبور از یاب تاثیر بر جمهوری اسلامی گذاشته بود شورای امنیت دریافته بود که در صورت ادامه سرکشی جمهوری اسلامی قطعنامه بعدی میتواند کنده سرکشی جمهوری اسلامی را بکشد و نیازی به تصمیمات جنگی ندارد و دیدیم که همینطور هم شد یعنی جمهوری اسلامی از وحشت قطعنامه های بعدی شورای امنیت تسلیم قطعنامه ۱۹۲۹ گردید و راه مذاکره را برگزید.

حاشیه

آقای ظریف در یکی از اظهاراتش از قول آقای کری آورده است که او گفته «با قبول قطعنامه ۱۹۲۹ باید تمام تحریم های هسته ای علیه ایران برداشته شود» نقل قول آقای کری از سوی آقای ظریف اگر هم صحت داشته باشد موثر در مقام نیست زیرا اظهار نظری است که مغایر با قطعنامه ۱۹۲۹ است که قطعنامه حکم تعلیق تحریم هارا داده؛ نه لغو و آقای کری مقامی نیست که بتواند تغییری در قطعنامه بدهد؛ و این موضوعی است که نمیدانم چطور از توجه آقای ظریف به کنار مانده و تاکنون چند بار به آن استناد کرده است. (پایان).

تحریم نفتی

میدانید که آمریکا بموازات قطعنامه های شورای امنیت، مستقلا هم تحریم هائی علیه جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل هسته ای و به اعتبار قطعنامه های شورای امنیت برقرار ساخت که یکی از آنها **محدودیت اجازه فروش نفت تا سقف یک میلیون بشکه در روز بود**، که آمریکا بموازات قطعنامه ۲۲۳۱ که رافع اثرات قطعنامه های سابق شورای امنیت بود محدودیت فروش نفت را هم بر طرف ساخت و این کمک بسیار بزرگی به جمهوری اسلامی شد که بحث جدا گانه ای را پذیراست و در حقیقت میتوان گفت که یک امتیاز بزرگی بود که آمریکا بدون اینکه تحت فشار شورای امنیت باشد ویا مذاکراتی سبب آن گردد این ارفاق را در حق جمهوری اسلامی بوجود آورد.

بهر حال در صورتی که جمهوری اسلامی براه سرکشی و مخالفت خود با قطعنامه ۱۹۲۹ ادامه میداد بطور حتم آمریکا هم سقف فروش نفت ایران را از یک میلیون به کمتر تقلیل میداد و این چنین اقدامی برای جمهوری اسلامی غیر قابل تحمل میشد در این حالت چه نیازی به جنگ بود.

قصد به جنگ

❖ کشوری که قصد حمله و جنگ با کشور دیگری را داشته باشد نمیگذارد که جریان به شورای امنیت وصل شود زیرا باید تابع فرمان شورای امنیت باشد و استقلال لازم را در جنگ نخواهند داشت، مانند حمله آمریکا به عراق و یا لیبی بلکه سعی میکند که شورای امنیت در مقابل عمل انجام شده قرار گیرد.

- ❖ در همین اواخر خبرها حکایت داشت که اسرائیل به مجتمعی که درسوریه با سرمایه گذاری ایران و کارشناسان کره شمالی فعالیت های اتمی داشت حمله هوایی کرد و آنرا نابود ساخت؛ این طریق، راهی است که کشوری که بخواهد خودش قضیه را تمام کند انتخاب میکند.
- ❖ آمریکا اگر میخواست که همانند اسرائیل فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی را از طریق جنگ حل کند همان زمان که ازسوی مجاهدین خلق (ظاهرا و باطنا ازسوی اسرائیل) به آمریکا جایگاه اتمی ایران در نطنز و فردو اطلاع داده شد مستقیما حملات نظامی علیه ایران به قصد نابودی تاسیسات اتمی را آغاز میکرد.

آمریکا قصد جنگ علیه ایران را ندارد

- ❖ آمریکا به دلایلی که خارج ازصلاحیت این تحریر است آمادگی آغاز و مدیریت جنگ جدیدی را ندارد. علاوه بر آن آمریکا ازجنگهایی که علیه کشورها ترتیب داده چه نتیجه ای عاید داشته است؟ سیل مجروحین و معتادان و خانواده های بی سرپرست بزرگترین عاملی است که پرونده آن درکنار راهکار نظامی قرارداد، اینهاست که آمریکا راه شورای امنیت را برگزیده والا نگران مردم ایران ویا مردم کشور خودش نبود و نیست و ایران را عراق دیگری میکرد.

لیاقت و کاردانی

- ❖ جمهوری اسلامی لیاقت و کاردانی لازم را برای استفاده از فرصت قطعنامه های شورای امنیت و مذاکره با کشورهای ۵+۱ را نداشت؛ زیرا با عبور از خطر جنگ فرصت کافی داشت تا قرارداد بهتری از برجام امضا کند، زیرا در قطعنامه های شورای امنیت مدت محدودی برای مذاکره قائل نشده است.
- ❖ آیا این سوال مطرح شده است که چرا باید کاری میشد که پرونده ایران به شورای امنیت ارسال شود؟ و چرا باید قطعنامه های شورای امنیت نادیده گرفته شود آنهم نه با سکوت بلکه با گردن کلفتی و دم کوزه آب گذاشتن که کار به قطعنامه ۱۹۲۹ کشیده شود.

عجله و شتاب

- ❖ اسناد مذاکرات هسته ای هیئت ایرانی نشان میدهد که آنها عجله و شتاب فوق العاده ای در پایان مذاکرات داشته اند، این عجله و شتاب برای پایان مذاکره در مسیری افتاده بود که کسی فکر منافع ایران و اثرات ناموزون موافقت های پی در پی را نمیکرد.

اساسا هر جا و در هر کاری شتاب باشد متفرعات لازم فراموش میشود در عجله کیف دستی انسان هم جا میماند تاچه رسد به چیزهای دیگر.

این عجله در حدی بود که آقای کری در روزنامه آمریکایی کشورش نوشته است >ایرانیها پیشاپیش همه امتیازات ایران را از ایران سلب کردند< این امر فقط میتواند ناشی از اطمینان به طرف و شوق پایان یافتن هرچه زودتر مذاکرات باشد. حتی همان مسئله استیضاح آور نخواندن توافقنامه ژنو و امضای آن ازسوی آقای عراقچی میتواند ناشی از ذوق و شوق پایان یافتن سریع مذاکرات باشد در این حالت معلوم است چیزی که نمیتواند مطرح شود دقت در موضوعات و تبعاتی است که از فرازهای توافقنامه ممکن است بدست آید. آمریکانیها کاملا شوق و اشتیاق ایرانیان را برای پایان سریع مذاکرت دریافته بودند که خانم شرمن گفته است >ایرانی ها اول چانه میرنند و دست آخر کوتاه میآیند<.

❖ اینکه کسانی مدعی اند که برجام جنگ را منتفی ساخت، آری تسلیم بلاشرط جمهوری اسلامی به گزارش آژانس بین المللی اتمی هم میتواند سبب دورشدن خطر جنگ باشد و همان اعتراضات اولیه آمریکا در مورد فعالیت های هسته ای و تمکین جمهوری اسلامی در مقابل آنها میتواند خطر جنگ را دور کند.

راه روش مذاکره

❖ یک وقت دانه مذاکرات محدود است به شکست طرف در جنگ؛ یعنی مذاکرات برای چگونگی تسلیم وحد اقتدار دولت شکست خورده است، در این حال نمیتوان انتظار زیادی از دولت شکست خورده داشت ولی یک وقت مانند برجام طرفین آزادی عمل در صحبت و تصمیم و یا رد آنرا دارند. هیئت ایرانی طوری عمل کرده که گویی یک بدهکاری داشته و آنهم امضا کردن یک ورقه ای بوده و رفته اند و بدهی را داده و برگشته اند.

میگویند دهقانی با الاغ ماده اش عازم ده دیگری بود تا الاغش را باردار کند؛ وقتی بر میگشت کسی از آن دهقان پرسید که کجارتنه بودی گفت الاغم یک ..ن بدهکار بود رفتم داد، و حالا بر میگردم.

❖ هر محققى که در مسئله مذاکرات هسته ای کنکاشی بنماید با عجله به پایان رساندن مذاکرات متوجه میشود آقای فواد ایزدی کارشناس مسائل هسته ای و استاد دانشگاه تهران هم نوشته است.

مشکل تیم فعلی هسته ای ایران این بود که حریف متوجه شده بود که ایران تمام تخم مرغهایش را در سبد هسته ای گذاشته و ایران فقط به دنبال توافق است و از پای میز مذاکره بلند نخواهد شد از این رومنتی که تهیه شده مشکلات زیادی دارد.

آمریکا متکلم الوحده بود

❖ به مذاکرات هسته ای چه در ژنو ویا وین که نگاه کنید متکلم الوحده آمریکا در مقابل ایران بوده است نه هیچ کشوردیگری و فقط گاهی هم نماینده اتحادیه اروپا سری در میان داشته چرا جمهوری اسلامی که مدعی بوده و هست که آمریکا دشمن ایران است باید طرف صحبت و تصمیماتش فقط آمریکا باشد؟ آنقدر این صحنه تکراری است که انسان خیال میکند که مذاکرات تنها بین ایران و آمریکا بوده است.

❖ در تمام شئون مذاکرات کوتاهی و نادیده گرفتن منافع ایران مشهود و حتی همان حقوقی که در قطعنامه های شورای امنیت برای ایران قائل شده بود هم نادیده گرفته شده.

فصل جاسوسی

❖ نگاهی به جبهه های مذاکرات هسته ای نشان میدهد که از ایران یک هیئت ۷ تنی و از آمریکا یک هیئت ۸۰ تنی در مذاکرات شرکت داشته اند.

از هیئت ایران آنطور که خود آقای عراقچی رئیس هیئت ایران و آقای دکتر سادات گفته است ما خوانده برجام را امضا کردیم و اکنون هم معلوم شده که یکی از آن ۷ تن از هیئت ایران **آقای دری نجف آبادی جاسوس آمریکا و انگلستان تشریف داشته اند**، در برخی محافل هم گفته شده که ممکن است

تعداد جاسوسان در مذاکرات هسته ای سه نفر باشند و یکی از آن هفت تن هم برادر رئیس جمهور، حسین روحانی بوده که قالتاق هیئت بوده است.

تصور نمیشود نتوان در این قول، متفق بود که هیئت ایرانی مذاکرات هسته ای صلاحیت علمی و اخلاقی و سیاسی برای مدیریت امر مذاکرات با خارجیان را در مورد برجام ندارد و نداشته است.